



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.50694.0>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۶

عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی در روستاهای استان لرستان

زهرا شریفی نیا (گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران،

نویسنده مسئول)

z.sharifinia57@gmail.com

سمیه حق نظری (کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه بیرجند، ایران)

somayeh.hagh.n@gmail.com

صص ۵۱ - ۲۵

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری تقویت فضاهای عمومی در روستاهای استان لرستان است و به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال کلیدی است که کدام عوامل در تقویت فضاهای عمومی بیش‌ترین نقش را داشته است. نوع تحقیق کاربردی و روش مورد استفاده، توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری داده از روش‌های اسنادی و میدانی استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار و واریانس) و استنباطی (تحلیل عاملی و تحلیل واریانس) بهره گرفته شده است. یافته‌های تحلیل عاملی نشان داد که هفت عامل با مجموع ۵۵/۲۷۴ درصد واریانس روابط بین شاخص‌ها را تبیین می‌کند و بیشترین سهم را عامل اول با ۱۰/۵۳۱ درصد واریانس و کمترین سهم را عامل هفتم با ۶/۱۷۸ درصد تبیین می‌کند. همچنین، تحلیل آزمون واریانس نشان داد که تفاوت معناداری بین عامل‌های مورد نظر در سطح آلفا کمتر از ۰/۰۵ وجود دارد. نتایج این تحقیق نشان داد که هفت عامل تنوع جاذبه‌ها و کیفیت بصری، تعامل و ارتباطات، اجتماعی-فرهنگی، آموزشی-بهداشتی، تجهیزات، اقتصادی و تفریحی به ترتیب

بیشترین اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، توجه به فضاهای عمومی می‌تواند در راستای تقویت اجتماعات انسانی به کار گرفته شود و زمینه را برای بهبود فعالیت‌ها، سرزندگی و حیات مدنی در جوامع روستایی فراهم کند. کلیدواژه‌ها: فضاهای عمومی، عوامل مؤثر، روستاهای استان لرستان.

۱. مقدمه

روستاها از یک‌سو، به واسطه کارکرد اساسی خود، تأمین‌کننده بسیاری از نیازهای فردی و جمعی جامعه روستایی هستند و از سوی دیگر، از خصیصه پویایی و تغییرات دائمی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی- فضایی برخوردارند. چنین فعالیت‌هایی نیازمند فضاهایی است که افراد را به تفکر واداشته و گرد هم جمع کند تا بتوانند از طریق «گفتگو و روابط چهره به چهره» به همبستگی اجتماعی دست یابند (علی‌الحسابی و نگارش، ۱۳۸۹، ص. ۳۱). و سازمان فضایی مناسب را جهت پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی تحقق ببخشند (رومیانی، صادقلو و صناعتی مقدم، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۷). همچنین، زندگی عمومی مردم در فضاهای عمومی در مجموعه‌ای پیچیده از اشکال و کارکردها رخ می‌دهد. بر این اساس، این فضاها باید حاوی رفتارها، کاربری‌ها و فعالیت‌های متنوعی مانند خرید، پیاده‌روی، مکالمه، استفاده از امکانات برای سرگرمی، استراحت یا حتی گذراندن وقت به‌عنوان فعالیت‌های روزمره و همچنین جشن‌ها و رویدادهای دوره‌ای باشند (جلال‌الدینی و اوکتای^۱، ۲۰۱۲، ص. ۶۶۵). بنابراین امروزه فضای روستایی، به‌عنوان فضایی با ویژگی تنوع فرهنگی و سنتی و تعامل با محیط طبیعی و انسانی چه در گذشته و چه در حال حاضر، توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است (یونگ و ریو^۲، ۲۰۱۵، ص. ۱۱۲۱۳). این تعامل با ترکیب عوامل طبیعی و فرهنگی از جمله مهارت‌ها، دانش و فن‌آوری ادغام شده است و تنوعی گسترده‌ای از خدمات اکوسیستم و سیستم‌های اجتماعی و فرهنگی را به وجود آورده است (سونگ^۳، ۲۰۰۵، ص. ۳۴۶؛ هارتل، فیچر، کامپنو، مایلکو، هانس پاچ و فازی^۴، ۲۰۱۴، ص. ۱۲۳۹). این مجموعه

1. Jalaladdini & Oktay

2. Jung and Ryu

3. Seong

4. Hartel, Fischer, Câmpeanu, Milcu, Hanspach & Fazezy

تعاملات بلندمدت فرهنگی و اجتماعی زمینه یک چشم‌انداز قوی در هویت یک مکان را به دنبال داشته است (یونگ و ریو، ۲۰۱۵، ص. ۱۱۲۳۹). با این حال، در طول چند دهه گذشته، نگرانی در مورد ناپدید شدن مناظر سنتی و ظهور مناظر جدید، تبدیل به یک مسئله جدی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه شده است و سبب تغییرات گسترده و چشمگیر مناظر فرهنگی سنتی از جمله گونه‌ها، زیستگاه‌ها و تغییرات هویت چشم‌انداز شده است (اسکدلی وبرگر^۱، ۲۰۰۹، ص. ۴۷۹؛ موس و ویجرمان^۲، ۱۹۹۰، ص. ۲۸۹). تغییرات در مناظر روستایی به طور مستقیم با معیشت و جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندگی مردم محلی و در نهایت حفظ طبیعت، مرتبط هستند. بیشتر سکونتگاه‌های روستایی با توجه به خصوصیت‌ها و کلیه عوامل درونی و برونی خود نظیر مکان طبیعی، فضای جغرافیایی، باورهای مردم و ارزش‌های بومی که در تعامل با هم هستند، در کنار بعضی ویژگی‌های مشترک، جلوه‌های منحصر به فرد و منظر خاص خود را دارند (احمدی، ۱۳۹۱، ص. ۶). پس مشاهده تغییرات در فضاها و معماری روستایی، در پی دگرگونی هنجارهای اجتماعی، امری طبیعی است که متعاقب آن تحولاتی به وجود آمده است. از آنجا که تمدن به یکباره به وقوع نپیوسته و ظهور آن تدریجی است، فضاهای زیستی، محل تجلی حیات مدنی است و نیازمند تداوم این حیات نیز خواهد بود؛ لذا برای تحقق این تداوم نیازمند به سازماندهی اجتماعی امری ضروری به نظر می‌رسد (ساردوئی، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۸).

منطقه مورد مطالعه این پژوهش، روستاهای استان لرستان است که دارای فضاهای تفریحی مانند (طبیعت بکر و کوهستانی، آب و هوای مناسب)، فضاهای ارتباطی (تحکیم روابط همسایگی بین افراد، روابط صمیمی بین خانواده)، فضاهای فرهنگی و اجتماعی (مانند آداب و سنن قدیمی، گردهمایی ملی، مذهبی و سخنرانی)، فضاهای مشارکتی (همدلی و مشارکت در مراسم عروسی و عزاداری‌ها) فضاهای خدماتی (بهداشتی و ورزشی) و غیره است و باعث شده است که زمینه بررسی این پژوهش را فراهم کند. بنابراین، هدف از این پژوهش بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تقویت فضاهای عمومی در روستاهای استان لرستان است و به

1 Stockdale and Barker
2 (Meeus and Wijermans

دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال کلیدی می‌باشد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تقویت فضاهای عمومی روستایی کدامند.

۲. پیشینه تحقیق

در خصوص فضای عمومی در مناطق روستایی تحقیقات خیلی کمی صورت گرفته است، و بیشتر آن‌ها بر نقش فضاهای عمومی تأکید کرده‌اند، اما در این پژوهش، محقق به بررسی عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی پرداخته است و از این حیث کار جدید و نویی می‌باشد.

در همین رابطه، جوهان گل^۱ (۲۰۰۳)، در پژوهش خود، حمایت از فعالیت‌های اجتماعی را یکی از ملزومات دستیابی به فضاهای عمومی موفق دانسته و بهترین فرصت برای تعامل در یک فعالیت می‌داند. مطالعه دیگر در این زمینه مربوط به تحقیق ون راجا^۲ (۱۹۸۳) است که با هدف شناخت عوامل مؤثر در جلب مردم به فضاهای عمومی صورت گرفته و نتایج آن به شرح ۱- نحوه ارزیابی عموم از مکان، ۲- ویژگی‌های کالبدی، ۳- مفید و مؤثر بودن، ۴- نحوه دسترسی و ۵- ویژگی‌های اجتماعی نشان داده شده است (حاتمی و ذاکر حقیقی، ۱۳۹۷، ص. ۸۲). جلال‌الدینی و اوکتای (۲۰۱۲)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی زمینه نشاط و شادی را برای مردم فراهم کرده است. محققانی چون اسماعیل و سعید^۳، ۲۰۱۵، بولیور داپونته، رودریگز و سانچز^۴، ۲۰۱۱؛ فرانسیس، جلیز کورتی، و د، کنویمان^۵، ۲۰۱۲؛ نوستن، ساله و وحید^۶؛ ۲۰۱۴؛ یون و سرینیواسان^۷، ۲۰۱۵، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که فضاهای روستایی، به‌عنوان عرصه‌های اقتصادی، محیطی و تعاملات اجتماعی محسوب می‌شوند. در این فضاها، مردم محلی می‌توانند خارج از دیگر عرصه‌های خصوصی با دیگران سهیم شده و در آن فعالیت کنند. این فضاها با توجه به خاصیت عمومی

1. Johan Gehl
2. Ven Raja
3. Ismail & Said
4. Bolívar, Daponte, Rodríguez & Sánchez J
5. Francis, Giles-Corti, Wood & Knuiman
6. Nasution, Shalleh & Wahid
7. Yoon & Srinivasan

و اجتماعی که دارند، می‌توانند به ساخت و تولید مناسبات اجتماعی کمک کرده و باعث افزایش کیفیت سرزندگی در مناطق روستایی شوند که تا حدودی با پژوهش حاضر هم‌سویی خاصی دارد. از این رو، بحث عملکرد فضاهای عمومی در جهت ارتقاء توسعه سرزندگی مردمی محلی در برنامه‌های توسعه روستایی اهمیت بسیاری دارد که باید مسئولان و مردم به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند. آنچه که بیش از همه در حضور و تعامل افراد در فضاهای عمومی نقش دارد، ایجاد و تقویت کارکرد این فضاهاست که می‌تواند به ایجاد فرصت‌های مشارکت، توانمندسازی، شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و غیره بینجامد و زمینه را برای افزایش کیفیت سرزندگی مردم محلی فراهم کرد. بنابراین، گام اساسی در زمینه تدوین برنامه‌های کارآمد و منطبق بر واقعیت‌ها و دستیابی به هدف بهبود کیفیت سرزندگی، شناخت و آگاهی لازم و کافی از توان‌ها و امکانات هر منطقه جغرافیایی است. عنابستانی و احمدزاده (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ارتباط معنی‌داری بین جمعیت، فاصله روستا از مرکز دهستان و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی با ضریب $0/6697$ و $0/466$ وجود دارد، اما براساس آزمون آماری کراسکال والیس رابطه معنی‌داری بین نوع راه ارتباطی و موقعیت روستا با عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه وجود ندارد. احمدی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در این نواحی، علاوه بر عوامل درونی شامل تغییر موقعیت کارکردی، تغییر در الگوهای بهره‌برداری از فضا، عوامل زیست محیطی، گرایش‌های مذهبی، میزان انسجام، رفاه‌طلبی و تجملات، تغییر سبک زندگی، تغییر منابع تولید، اشتغال، تغییر ارزش زمین و مسکن، عوامل بیرونی در دو قالب مجاورت شهری و ابعاد ملی و فراملی شامل مولفه‌های توسعه گردشگری و خانه‌های دوم، مهاجرت از شهر به روستا و بالعکس، توسعه و خزش شهری، فناوری اطلاعات و ارتباطات تلفن، و سیاست‌های و برنامه‌های کلان ملی، تکنولوژی و مکانیزه شدن تأثیرگذار می‌باشد. عزیزپور و شمسی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که عوامل طبیعی به‌ویژه توپوگرافی، منابع آب و شیب در موقعیت استقرار سکونتگاه‌های روستایی تأثیر داشته است. این وضعیت سبب گردیده تا سازمان فضایی محدوده مورد مطالعه از ساختار سلسله‌مراتبی دو سطحی برخوردار گردد. ضمناً مبتنی بر این نتایج پیشنهاد گردید تا سازمان فضایی محدوده از سه

حوزه روستایی به مرکزیت روستاهای افجه، کندعلیا و بوجان و یک مجموعه روستایی با مرکزیت شهر لواسان تشکیل گردد. عینالی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که معیارهای زیباشناختی، معنایی- ادراکی و عملکردی - فعالیتی هر کدام به ترتیب با میزان ۲/۵۲، ۱/۷۹ و ۰/۶۹ بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌های تحلیل عاملی نشان داد که عامل اول، یعنی تصویر ادراکی بیشترین سهم و عامل ششم، یعنی تعاملات اجتماعی کمترین سهم در تبیین کل متغیرها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، بررسی مدل برازش رگرسیونی نشان‌دهنده تأثیر مثبت فاکتورهای مؤثر فضاهای عمومی در ارتقای افزایش کیفیت سرزندگی روستائیان به میزان ۰/۷۲۳ می‌باشد که این خود نشان از رابطه معنادار و مثبت بودن نقش عوامل فضاهای عمومی در ارتقاء کیفیت سرزندگی روستائیان در بین روستاهای محدوده مورد مطالعه می‌باشد.

رومیانی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که شاخص‌های آسایش، لذت و محافظت هر کدام به ترتیب با مقدار ۷/۲۶، ۴/۹۰ و ۳/۷۸ بیشترین اولویت‌ها رو به خود اختصاص داده‌اند. آزمون رگرسیون نشان داد که بیشترین میزان همبستگی بین شاخص‌های سرزندگی زیست‌محیطی و سرزندگی اجتماعی با میزان ۰/۳۸۲ و ۰/۲۷۵ می‌باشد و این شاخص‌ها نیز تأثیر مثبتی بر روی بقیه شاخص‌های تحقیق داشته است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. روش تحقیق

این پژوهش در راستای بررسی عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی در مناطق روستایی می‌باشد؛ لذا نوع تحقیق، کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی- تحلیلی است. در انجام تحقیق، ابتدا اطلاعات موجود در مورد موضوع و منطقه از کتب، اسناد، مجلات، نقشه پایه، آمارنامه‌ها جمع‌آوری شد و سپس داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات میدانی شامل مشاهده، پرسش‌نامه، مشخصات فردی و ویژگی‌های مردم محلی مد نظر قرار گرفت. بنابراین، به منظور بررسی عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی در مناطق روستایی از سه معیار زیباشناختی، معنایی - ادراکی و عملکردی- فعالیتی، به شرح شکل (۱) و جدول (۴) استفاده

شد و سپس پرسش‌نامه‌ها مطابق با طیف لیکرت (۱= خیلی کم، ۵ = خیلی زیاد) طراحی و ارزیابی شدند.

جهت سنجش روایی، پرسش‌نامه ابتدا در اختیار متخصصان قرار گرفت و روایی ابزار تحقیق سنجیده شد و شاخص‌ها و گویه‌های نهایی استخراج گردید. پرسش‌نامه تدوین‌شده در این مرحله در منطقه مورد مطالعه مورد پیش‌آزمون قرار گرفت و پس از تأیید اعتماد یا پایایی طبق جدول (۱)، پرسش‌نامه جهت انجام مراحل میدانی تحقیق تدوین نهایی گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات از روش‌های آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار و واریانس) و استنباطی (تحلیل واریانس و تحلیل عاملی) بهره گرفته شد.

جدول ۱- مقدار آلفای کرونباخ مشاهده شده

مأخذ: نگارنده با استفاده از دسترسی به اطلاعات، ۱۳۹۸

عنوان	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ
زیباشناختی	۸	۰/۵۶۸
معنایی - ادراکی	۷	۰/۵۵۷
عملکردی - ادراکی	۱۲	۰/۶۸۰

جامعه آماری این تحقیق، ۳۹ روستا در استان لرستان است که از طریق فرمول کوکران با خطای ۰/۰۷ درصد، ۱۹۵ پرسش‌نامه بدست آمد و بین مردم محلی به صورت تصادفی توزیع شد. از دلایل انتخاب این روستاها می‌توان به همکاری بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان لرستان اشاره کرد که داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌هایی که مردم روستا در هنگام بازدید مشاوران تکمیل کرده بودند را در اختیار این تحقیق قرار داد.

جدول ۲- جمعیت روستاها و تعداد پرسش‌نامه

مأخذ: مرکز آمار، ۱۳۹۵

شهرستان	بخش	دهستان	روستا	جمعیت	تعداد پرسش‌نامه
الیگودرز	مرکزی	پاچه لک شرقی	ده نصیر	۸۳۵	۴,۴۸
		خمه	خمه بالا	۶۴۶	۳,۴۷

شهرستان	بخش	دهستان	روستا	جمعیت	تعداد پرسننامه
بروجرد	بربرود غربی	بربرود غربی	شاهپورآباد	۱۵۲۲	۸,۱۷
		بشارت	خاک بینه	۴۰۴	۲,۱۷
	اشترینان	برده سره	دهریز	۱۴۷۹	۷,۹۴
		گودرزی	برکت آباد	۱۰۲۱	۵,۴۸
	مرکزی	شیروان	الک آباد	۵۶۶	۳,۰۴
		والانجرد	بیچون پایین	۷۶۶	۴,۱۱
خرم آباد	بیرانوند	بیرانوند جنوبی	سراب الیاس	۵۰۷	۲,۷۲
		بیرانوند شمالی	داربلوط پایین	۶۵۱	۳,۴۹
	زاغه	زاغه	باده	۵۴۸	۲,۹۴
		قاید رحمت	کله جوب	۸۴۹	۴,۵۶
	مرکزی	ازنا	سردارآباد	۸۳۲	۴,۴۷
		رباط	قلعه سنگی	۱۳۵۳	۷,۲۶
دلفان	کاکاوند	کاکاوند شرقی	هزارخانی	۷۳۸	۳,۹۶
		میریگ جنوبی	میرزا آباد	۸۵۱	۴,۵۷
	مرکزی	میریگ شمالی	شهن آباد	۱۴۵۰	۷,۷۸
		چالانچولان	زرگران بالا	۷۷۶	۴,۱۷
دورود	سیلاخور	سیلاخور	کاغه	۹۵۳	۵,۱۲
	مرکزی	حشمت آباد	ترشاب	۱۱۶۱	۶,۲۳
کوهدشت	طهران	طهران شرقی	دم روستان	۱۱۱۳	۵,۹۷
		کوهنانی	شورابه بهرام بیگ	۸۴۰	۴,۵۱
	مرکزی	گل کل	اشتره گل گل	۱۰۴۷	۵,۶۲
		گل گل	اکبرآباد	۱۶۴۱	۸,۸۱
	ازنا	جایلق	جایلق شرقی	مرزیان	۹۸۶
مرکزی		سیلابخور شرقی	کلکله	۱۱۱۱	۵,۹۶
پلدختر	مرکزی	ملاوی	وره زرد	۹۴۵	۵,۰۷
	معمولان	افرینه	سرنجه زیودار	۵۶۵	۳,۰۳
سلسله	فیروزآباد	فیروزآباد	تملیه	۱۱۱۴	۵,۹۸
		فیروزآباد	شیخ آباد زنگیوند	۱۰۵۸	۵,۶۸
	مرکزی	یوسف وند	در تنگ پایین	۸۴۶	۴,۵۴
دوره	چگنی	دوره	سراب ناوه کش	۹۸۳	۵,۲۸

شهرستان	بخش	دهستان	روستا	جمعیت	تعداد پرسشنامه
	شاهپوند	دوره	سراب چگه	۸۰۱	۴۳۰
		شاهپوند	ملک آباد سماق	۷۰۳	۳۷۷
	ویسیان	ویسیان	سبزوار	۷۰۳	۳۷۷
رومشگان	سوری	سوری	اسداباد	۷۸۱	۴۱۹
		رومیانی	پادروندپایین	۸۱۱	۴۳۵
	مرکزی	رومشگان	لالوند	۸۹۸	۴۸۲
		بازوند	بازوندی	۱۴۷۴	۷۹۱
جمع کل	۲۸	۳۹	۳۹	۳۶۳۲۸	۱۹۵

۳.۲. منطقه مورد مطالعه

استان لرستان یکی از استان‌های غربی ایران است. این استان ۲۸۳۰۸ کیلومتر مربع مساحت دارد. خرم‌آباد مرکز استان و بروجرد دومین شهر بزرگ آن است. لرستان سرزمینی کوهستانی است و غیر از چند دشت محدود، سراسر آن را کوه‌های زاگرس پوشانده است. اشترانکوه با ۴۰۵۰ متر ارتفاع بلندترین نقطه استان است و پست‌ترین نقطه آن در جنوبی‌ترین ناحیه استان واقع شده و حدود ۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. براساس یافته‌های باستان‌شناسی این منطقه یکی از نخستین سکونتگاه‌های قدیمی بشر است و مفرغ لرستان از شهرت باستان‌شناسی زیادی برخوردار است. این استان از ۱۱ شهرستان، ۳۱ بخش، ۲۵ شهر و ۸۷ دهستان تشکیل شده است. بنابر سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت استان ۱۷۶۰۶۴۹ نفر بوده است. جمعیت روستایی در این استان برابر با ۶۲۳۸۹۶ نفر و نرخ رشد جمعیت روستایی برابر (۱/۶۳-) است.

۴. مبانی نظری

توسعه و ایجاد فضاهای عمومی مطلوب علاوه بر تأمین رفاه و آسایش مردم، نقش مؤثری در حفاظت محیط و توسعه پایدار از طریق سلسله مراتب طرح‌های مختلف و در نظر گرفتن نیازها و امکانات واقعی و مشارکت نیروهای مؤثر در تحقق آن ایفا می‌کند. براین اساس، این فرایند مستلزم رعایت جامع‌نگری، انعطاف‌پذیری و به کار گرفتن شاخص‌ها و معیارهای کمی

و کیفی در پیش‌بینی و اولویت‌سنجی اراضی مورد نیاز و نحوه توزیع و ترکیب آن‌ها میان کاربری مختلف است (ایزدی، محمدی، طاهری، و شرخانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۸). بنابراین، توجه به بحث‌های فضاهای عمومی و اهمیت آن از دیدگاه‌های مختلف مطرح شده است. در این رابطه برخی از محققان حوزه شهرشناسی چون ویلیام^۱ اعتقاد دارند که خیابان‌های خوب، پیاده‌روها، پارک‌ها و دیگر فضاهای عمومی در آگاهی و رشد مدنیت در جوامع نقش بسزایی ایفا می‌کنند (کارمونا^۲، ۲۰۰۳، ص. ۲۳). لذا بسیاری از مفسران در خصوص اینکه چگونه فضا بر مردم، احساسات و رفتار ایشان اثر می‌گذرد، بحث کرده‌اند. این مباحث برآمده از مفهوم فضا، در یک تقسیم‌بندی کلی، در سه بخش قابل دسته‌بندی است: ۱- خصوصیات فیزیکی فضا، ۲- فعالیت‌هایی که در فضا رخ می‌دهد، ۳- معنای فضا. بنابراین کارمونا (۲۰۰۳) این سه بخش را با عناوین ابعاد «ریخت‌شناختی^۳»، «اجتماعی و عملکردی^۴» و «ادراکی^۵» معرفی می‌کند. رالف (۱۳۷۴) این سه بخش را «بستر فیزیکی^۶»، «فعالیت» و «معنا» می‌داند که در ساخت «هویت مکان» مؤثرند. طبق ادعای رالف، ارتباط بین مردم و مکان از طریق وجود مفهومی با عنوان «حس مکان^۷» رخ می‌دهد. راپوپورت^۸ (۱۹۹۹)، اجزاء شکل‌گیری محیط را شامل سه بخش «ساخت فضا^۹»، «ساخت تعاملات^{۱۰}» و «ساخت معنا^{۱۱}» می‌داند (ماجدی، رضایی و منصوری، ۱۳۹۳، ص. ۴۵). لیپتون^{۱۲}، فضاهای عمومی را با عنوان «اتاق زندگی بیرونی» و «مرکز تفریح و فراغت بیرون از خانه» تعریف می‌کند. فضای عمومی مکانی برای بیان تنوع، تولید یک فرآیند داد و ستد و آموزش تحمل و شکیبایی است (سیرون و مازا^{۱۳}، ۲۰۰۹، ص.

1. William
2. Carmona
3. Morphological Dimension
4. Social and Functional Dimension
5. Perceptual Dimension
6. Physical Settings
7. Sense of Place
8. Rapoport
9. Organization of Space
10. Organization of Communication
11. Organization of Meaning
12. lipton
13. Citron & Mazza

۳). مامفورد^۱ به همبستگی اجتماعی و ارتباطات متقابل چهره به چهره، تحریک فکر و اندیشه و اهمیت زیباشناختی فضاها تأکید دارد و ارتباطات یک‌جانبه و خودمحوری‌های سودجویانه را نفی می‌کند (شارع‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۵). بر این اساس، با توجه بیش از حد به فضاهای خصوصی مخالف است؛ زیرا در آن صورت ارزش‌های اجتماعی نادیده گرفته می‌شود و نهایتاً انسان هرچه بیشتر از گذشته منزوی شده و زندگی جمعی در فضاها کمرنگ می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص. ۷۸). یوهان گل^۲ (۲۰۰۳)، نشان داد که چگونه کیفیت محیطی فضاهای عمومی بر میزان و نحوه استفاده مردم از آن‌ها اثرگذار است. طبق نظرات گل، فعالیت در فضاهای عمومی ذیل سه بخش قابل شناسایی است: فعالیت‌های ضروری، اختیاری و اجتماعی. زمانی که فضا از کیفیات پایینی برخوردار باشد، تنها فعالیت‌های ضروری است که در آن‌ها رخ می‌دهند. با ارتقای کیفیت فضا، ضمن رخداد فعالیت‌های ضروری، طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی نیز امکان وقوع می‌یابند و مردم به انجام آن‌ها تمایل پیدا می‌کنند (جوهان گل، ۲۰۰۳، ص. ۶۵۸).

بنابراین فضای عمومی یا جمعی به جز جوانب فیزیکی و کالبدی، نوعی فضای ادراکی و نمادین است که با خصلتی نظام‌مند و ماهیتی مرکب با فضای اجتماعی و فرهنگ جامعه پیوندی ناگسستنی داشته و نسبت فرهنگی و اجتماعی جامعه در ادراک آن مؤثر است و حاصل میراث تاریخی و فرهنگی یک جامعه است (یزدانی و لواسانی، ۱۳۸۹، ص. ۴۲). با توجه به اطلاعات جدول (۱) می‌توان به تعریف فضاهای عمومی و سنجش کارکردها و ویژگی‌های کلیدی این فضاها اشاره کرد.

1. Mumford
2. Johan Gehl

جدول ۳ - روش‌های مهم در تعاریف و سنجش فضاهای عمومی

مأخذ: رومیانی، صادقلو و صناعی مقدم، ۱۳۹۸

کارکردها اصلی	شاخص‌های کلیدی	خصیصه‌های کلیدی رویکرد	تعاریف	محقق
آسایش (ارتباط و تعامل)	پاسخ‌گو، دموکراتیک و معنادار	پیوندی برای فعالیت‌های آیینی و کارکردی یک اجتماع به‌عنوان یک فضای مشترک و عمومی	فضای عمومی همچون «زمین مشترک» در نظر گرفته می‌شود که مردم فعالیت‌های آیینی و کارکردی یک اجتماع را به هم پیوند می‌دهد، خواه در روال عادی زندگی روزانه، یا در فستیوال‌های دوره‌ای باشد.	کار و همکاران (۱۹۹۲)
	مشارکت مدنی، هویت شناسی، تبادل ارتباط و اطلاعات	- کلیدی برای بحث و گفت و گو جامعه انسانی - کلیدی برای تحمل تفاوت ها و فرصت‌هایی برای ورود به زندگی اجتماعی کامل - کلیدی برای فضای مبادله‌ای - کلیدی برای بهبود چشم انداز زندگی اجتماعی	فضاهای عمومی، فضاهای هستند که پیوسته مرزها و نشانه‌های جامعه انسانی را هدف گفت و گو قرار می‌دهند. فضایی عمومی ابزاری برای تنظیم چشم‌انداز زندگی اجتماعی مردم است.	زوکین (۱۹۹۵)
	تعاون و همکاری، ایجاد شبکه های اجتماعی و نهادی	- کلیدی برای گفت و گوی عمومی و تفسیر آن‌ها - کلیدی برای صلح و انسان دوستی	فضاهای عمومی تجلی تلاش‌های بشری است که مصنوعات جهان اجتماعی در محدوده این محیط طراحی شده، انطباق یافته، گفت و گو و تفسیر می‌شود. فضاهای عمومی، عرصه‌های مهمی برای گفتمان عمومی و بیان ناخشنودی‌ها به حساب می‌آیند	استهلی و میشل (۲۰۰۸)
محدود	مشارکت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی	- کلیدی برای تنوع‌بخشی به فعالیت‌ها - کلیدی برای هم‌اندیشی و باز کردن تفاوت‌ها	فضایی است که شامل فعالیت‌ها، حوادث، الهام و تحریک‌ها است و کیفیت فضاهای عمومی را بالا می‌برد. فضایی است که علی‌رغم تفاوت‌ها، به عنوان مکان جلسات، بازار و فضای ترافیک عمل کرده است.	گل (۲۰۰۳)

1. Car et all
2. Zukin
3. Stachley & Michelle

کارکردها اصلی	شاخص‌های کلیدی	خصیصه‌های کلیدی رویکرد	تعاریف	محقق
	عدالت اجتماعی، دموکراتیک و معنادار	<ul style="list-style-type: none"> - کلیدی برای دسترسی به فضای همگانی - نگرش دولتی برای دسترسی همگانی - کلیدی برای دسترسی به فرصتی محیطی 	<p>فضای عمومی شامل همه مناطق می‌شود که برای اعضای عمومی در یک جامعه (در اصل و نه لزوما در عمل) باز و در دسترس است. مکان عمومی به‌عنوان مکان (یا فضایی) تعریف می‌شود که مقامات دولتی آن را ایجاد کرده‌اند و از آن نگهداری می‌کنند و برای استفاده همه مردم در دسترس است</p>	اورم و نیل (۲۰۱۰)
پژوهشی	عدالت اجتماعی، مشارکت مدنی، تعاون و همکاری، قدرت بخشیدن مردم	<ul style="list-style-type: none"> - کلیدی برای عدالت اجتماعی در شهر و روستا - کلیدی برای مراعات حقوق دیگران - کلیدی برای مشارکت مدنی اعضا - کلیدی برای دسترسی همگانی 	<p>فضای عمومی (تعریف وسیع و گسترده) مرتبط با همه بخش‌های محیط ساخته شده و طبیعی، عمومی و خصوصی، داخلی و خارجی، شهری و روستایی است، جایی که عموم آزادند، مانند همه خیابان‌ها، میدان‌ها و دیگر حقوق‌گذر، دارای استفاده غالب مسکونی، تجاری یا اجتماعی / مدنی است.</p> <p>فضای عمومی (تعریف محدود شده)، مرتبط با آن بخش از محیط طبیعی و ساخته شده است که دسترسی عموم به آن آزاد است. چنین فضایی شامل همه خیابان‌ها، میدان‌ها و دیگر حقوق‌گذر، خواه دارای استفاده غالب مسکونی، تجاری یا اجتماعی / مدنی باشد و نیز فضاهای باز و پارک‌ها و فضاهای عمومی / خصوصی که دسترسی عموم به آن‌ها بدون محدودیت است</p>	کارمونا (۲۰۰۸)

عملکرد اصلی فضاهای عمومی، فراهم‌سازی و بسترسازی حضور مردم می‌باشد؛ لذا ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این خصوص، موضوعاتی چون بسترسازی شرایط مطلوب فرهنگی - اجتماعی، سرزندگی و حیات اجتماعی که ابعاد کیفی

1. Orem and Nile

2. Carmona

روابط جمعی را رقم می‌زند، از مهم‌ترین وظایف برنامه‌ریزان و طراحان است (رفعیان و خدائی، ۱۳۸۸، ص. ۲۲۸).

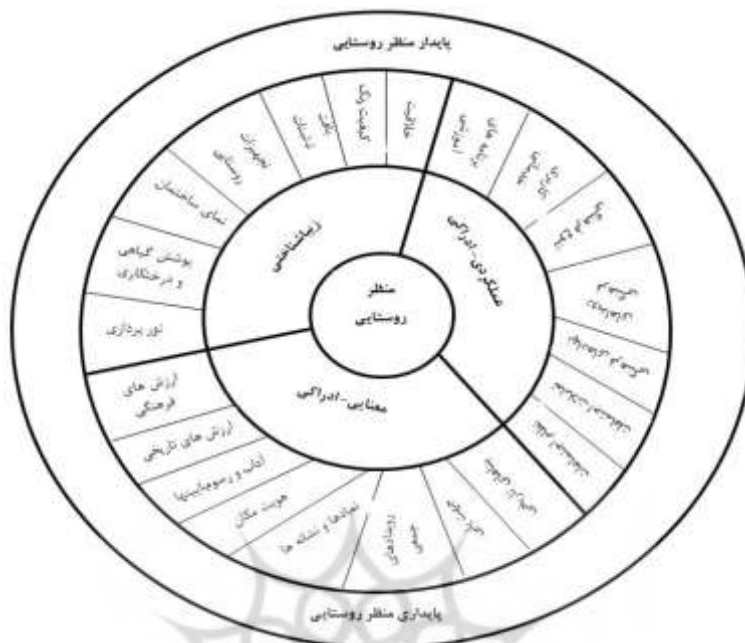
با توجه نکات اشاره‌شده در بالا می‌توان اظهار کرد که آسایش بصری و محیطی از مؤلفه‌های مهم و اساسی محیط‌های روستایی امن محسوب می‌شوند. به عنوان مثال، کاربرد مناسب رنگ در طراحی مبلمان روستایی، یکی از راهکارهای مطلوب در مناسب‌سازی سیما و منظر روستا با حفظ هویت کالبدی روستا است و تأثیر بسزایی در ادراک محیط دارد. به طوری که بین افراد ۱۶ تا ۳۵ سال، رنگ‌ها در بهترین و دقیق‌ترین وضع خود درک می‌شوند. خردسالان و سالخوردگان مهارت کمتری در تفکیک و تشخیص رنگ‌ها دارند و برای سنین بالای ۵۵ سال، سرعت تفکیک رنگ‌ها رو به وخامت می‌گذارد. از طرفی، بیشتر سکونتگاه‌ها و جامعه انسانی آن‌ها از جمله سکونتگاه‌های روستایی، با توجه به خصوصیت‌ها و کلیه عوامل درونی و برونی خود نظیر مکان طبیعی، فضای جغرافیایی، باورهای مردم و ارزش‌های بومی که در تعامل با هم هستند، در کنار بعضی ویژگی‌های مشترک، جلوه‌های منحصر به فرد و منظر خاص خود را دارند (تقوی، ۱۳۹۸، ص. ۲۰). در مجموع، کلیه عوامل و ساختارهای طبیعی و انسان در شکل‌گیری منظر روستایی دخالت دارند. سکونتگاه‌ها و مکان‌های عمومی، میدین و شبکه معابر به‌عنوان شریان ارتباطی، مناظر طبیعی، مزارع، باغ‌ها و مراتع در کنار هم به‌عنوان یک مجموعه واحد، مناظر روستایی را شکل داده‌اند. تمامی این عناصر، مانند اجزاء یک سیستم سبب پویایی چرخه زیستی و تداوم حیات در روستا می‌شوند. بنابراین، روستا تنها چند واحد مسکونی و تعدادی فضاهاى خرد و کلان جمعی در کنار وسعتی از کشتزارها و باغات نیست، بلکه نوع تعامل و رفتارهای انسان‌ها در یک محیط با یکدیگر و محیط طبیعی اطرافشان است که دریافت مفهوم و واقعیت یک آبادی به نام روستا را رقم می‌زند (عینالی، بوزجمهری، نظری شیخی، دهبانزاد، و رومیانی، ۱۳۹۶، ص. ۶۲۴).

روستاها می‌توانند به‌عنوان چشم‌اندازهای مشارکتی در نظر گرفته شوند و منعکس‌کننده فرهنگ، عقاید و ارزش‌های جامعه باشند و از سوی دیگر، می‌توانند بستر مشترکی ایجاد کنند که مردم فعالیت‌های کارکردی و مراسمی را که پیونددهنده اعضای جامعه است در آن انجام

دهند (رفیعی و شریفی، ۱۳۸۴، ص. ۳). فضاهای عمومی باید زمینه امکان ارتباطات اجتماعی در جهت رفع نیازها و تعالی کیفیت روابط را فراهم کنند. توجه به موقعیت فضای عمومی در گرو حضور تمامی گروه‌های سنی و جنسی متفاوت است و حال آنکه نیازها و خواسته‌های گروه‌های مختلف از یک فضا، گاه می‌تواند بسته به ویژگی‌های آن‌ها متفاوت باشد. در این میان، شناخت و انتظارات مردم از فضاهای عمومی به‌عنوان بخش مهمی از کیفیت زندگی مردم در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، با رجوع به تصویر ذهنی و توصیف مردم، در خصوص فضاهای عمومی، مردم انتظار دارند فضای عمومی و نیازهای آن‌ها با محیط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی و الگوهای رفتاری و ادراکی مردم سازگار باشد. از نظر مردم، فضاهای عمومی خوب در سازگاری با جایگاه طبیعی و متمایز هر مکان و ظرفیت و محدودیت‌های آن، گذران اوقات فراغت مطلوب را از طریق تأمین آسایش اقلیمی، محیطی متجانس و جذاب فراهم می‌سازد که ضمن ایجاد تعادل اکولوژیکی و صرفه‌جویی، سرزندگی و طراوت، تجربه آب و هوا را هم سبب می‌شود. با بررسی و واکاوی مؤلفه‌های ویژگی‌هایی که از طرف پژوهشگران نقل کرده‌اند می‌توان فضای عمومی موفق را فضایی دانست که از مؤلفه‌هایی، مانند دسترسی، کالبدی مناسب، منظر، تنوع فعالیت، جامعه، امنیت، تعامل اجتماعی، اجتماع-پذیری، آسایش و راحتی در حد متناسبی برخوردار باشد، وجود این عوامل در کنار یکدیگر می‌تواند یک فضای عمومی را موفق یا ناموفق سازد (لیپتون^۱، ۲۰۰۳، ص. ۴۳۲؛ اولدنبورگ^۲، ۱۹۹۹، ص. ۹۸).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Lipton
2. Oldenburg



شکل ۱- شاخص و مؤلفه‌های منظر روستایی

مأخذ: رومیانی، صادقلو و صنایعی مقدم، ۱۳۹۸

بر اساس شکل (۱)، مؤلفه‌های فضاهای عمومی در سکونتگاه‌های روستایی را می‌توان از طریق شاخص‌هایی، مانند توجه به فضاهای زندگی (مسکن، حیاط، کوچه‌ها و ...)، فضاهای فعالیتی (محل نگهداری دام، انبارها، پارکینگ و ...)، فضاهای تفریحی (پارک، فضاهای سبز و ...) و فعالیت‌های اجتماعی (محل برگزاری مراسم‌های عمومی و ..) مورد توجه و ارزیابی قرار داد. مؤلفه‌های «معنایی» با دریافت ادراک شناختی و ترجیحات محیطی افراد روستایی در فضاهای سکونتگاهی سروکار دارد. به عبارت دیگر، القای احساس مثبت زندگی و سرزنده بودن روستا به عنوان حد نهایی معنا می‌باشد که باید ساکنان روستایی به آن دست پیدا کنند تا به واسطه آن سطح شاخص‌هایی مانند حس تعلق، احساس هویت و شادکامی و امید در آن افزایش یابد. بنابراین، فضاهای عمومی علاوه بر اثرات عینی باید بتواند به لحاظ معنایی در جذابیت محیطی برای روستاییان نیز اثرگذاری مثبت داشته باشند. مؤلفه‌های زیباشناختی ناشی از فضاهای عمومی بر جنبه‌های کالبدی تأکید می‌کند؛ زیرا انتظار می‌رود توسعه فضاهای

عمومی و ایجاد تغییرات متناسب با شرایط بومی و محیطی روستاییان، قدرت پذیرندگی محیط‌های روستایی را در بین ساکنان روستا افزایش دهد. این مؤلفه از طریق ارزیابی شاخص‌هایی مانند بهبود تجهیزات روستایی، پوشش‌های گیاهی و درختکاری، نورپردازی و کیفیت رنگ قابل بررسی می‌باشد. در مؤلفه‌های معنایی - ادراکی ناشی از فضاهای عمومی، می‌توان به مؤلفه‌های کاربری‌های خدماتی، برنامه‌های آموزشی، تعاملات اجتماعی و نهادهای فرهنگی و غیره اشاره کرد.

با توجه به مؤلفه‌های ذکرشده، ضرورت عملکرد فضاهای عمومی در مناطق روستایی مطابق جدول ۴ بیان شده است.

جدول ۴- شرح فعالیت و ضرورت عملکرد فضاهای عمومی در مناطق روستایی

ماخذ: نگارنده با استفاده از منابع قابل دسترس، ۱۳۹۸

نوع فعالیت	شرح فعالیت	ضرورت عملکرد
بهداشتی	- تأمین‌کننده بهداشت جان و روان مردم توجه به حقوق افراد خاص (معلولین و سالمندان)	- گسترش بیماری‌های روحی و روانی در جامعه
فرهنگی	- زمینه‌سازی برای برگزاری آداب و رسوم روستا - برپایی نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری - پیش‌بینی کاربری‌های فرهنگی و خدماتی	- احیا و زنده نگه‌داشتن مراسم محلی - محلی برای تبادلات فرهنگی افراد و قومیت‌های مختلف ساکن در محیط
اجتماعی	- گردهمایی‌های ملی و مذهبی - سخنرانی و همایش‌های منطقه‌ای - تأثیر بازی و سرگرمی بر جسم و ذهن کودکان - آموزش هم‌زیستی در کنار هم‌نوعان و هم‌سالان محلی برای تبادل اطلاعات	- ایجاد محیطی صمیمی و صحنه‌ای برای حضور افراد در بطن جامعه - مشکلات ناشی از عدم جامعه‌پذیری افراد - ضرورت کالاهای مصرفی روستاییان
اقتصادی	- ایجاد فضاهای تجاری و رونق کسب و کار در روستا - تشکیل بازارهای هفتگی و فصلی - مکان مناسب و پررونق برای عرضه کالاهای و مایحتاج روزانه روستاییان	- معرفی و فروش محصولات روستاییان - زمینه‌سازی برای صدور محصولات اعم از کشاورزی و صنایع دستی و غیره - تأمین کالاهای مصرفی روستاییان - کاهش سفر به شهرها
تجهیزات	- وجود خدمات ورزشی - وجود خدمات بهداشتی - وجود خدمات آموزشی	- ضرورت نیازهای اولیه زیستی روستاییان

نوع فعالیت	شرح فعالیت	ضرورت عملکرد
تنوع جاذبه‌ها	- چشم‌انداز طبیعی بکر و کوهستانی - وجود چشمه‌ها و رودخانه‌ها	- حفظ پوشش‌های گیاهی - حفظ اقامتگاه‌های بوم گردی
کیفیت بصری محیط	- نقش و نمای ساختمان متناسب بر محیط - تبلور ارزش‌های زیربنای فرهنگی و تاریخی - مبللمان سنتی و کالبدی روستا	- بهبود سیما و منظر روستا
تفریحی	- گذران اوقات فراغت برای اقشار مختلف اجتماعی - رفع خستگی و ایجاد آرامش روحی و روانی	- کوچک شدن نسبی مساحت و عرصه
هویت مکان	- ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه هم علت و هم معلول هویت - حس تعلق مکانی	- وجود عنصر هویت‌بخش در بافت روستا
تعاملات	- استمرار روابط دوستی مردم - تحکیم روابط همسایگی بین افراد ساکن در روستا - پایه‌ریزی روابط صمیمی و همیشگی بین خانواده‌ها	- کم رنگ شدن صله رحم و دید و بازدیدها به علت مشغله‌های کاری

۵. یافته‌های تحقیق

به منظور بررسی عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی در روستاهای مورد مطالعه، از ۱۹۵ پرسش‌نامه استفاده شد. یافته‌های توصیفی نشان داد که ۹۸/۲ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۱/۲ درصد زن بوده‌اند. همچنین، گروه‌های ۳۰ تا ۳۹ سال با میزان ۴۴/۴، بیشترین درصد را داشته‌اند. از لحاظ تحصیلات، ۳۹/۲ درصد لیسانس بودند و ۵۱/۴ درصد آنان متأهل و ۴۸/۱ درصد مجرد بوده‌اند. به منظور بررسی عوامل مؤثر، از آزمون تحلیل عاملی و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. سپس به دسته‌بندی شاخص‌ها پرداخته شد. هر کدام از این شاخص‌ها دارای متغیرهایی هستند که در شکل (۲) به آن‌ها اشاره شده است. در نهایت برای اینکه مشخص شود کدام متغیر بیشترین تأثیر را در تقویت فضاهای عمومی داشته است، از میانگین، انحراف معیار و واریانس استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که گذراندن اوقات فراغت و چشم‌اندازهای طبیعی هر کدام با میزان (۱/۹۰) و (۱/۸۵) بیشترین واریانس‌ها را بین متغیرها به خود اختصاص داده‌اند که از دلایل آن می‌توان به طبیعت بکر با فضاهای مناسب اقلیمی در

روستاهای مورد مطالعه اشاره کرد. بنابراین، می‌توان بیان کرد که دیدگاه مردم محلی نسبت به موضوع مطرح‌شده در این پژوهش از لحاظ فضاهای عمومی دارای اهمیت می‌باشد.



شکل ۲- عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

با توجه به پژوهش نظری و برداشت‌های میدانی، ۲۷ عامل استخراج شد. بر اساس نتایج، مقدار KMO ، معادل $0/603$ بوده و با توجه به حداقل و حداکثر مقدار آزمون، در سطح قابل قبولی است. مقدار محاسبه‌شده برای آزمون بارتلت نیز در سطح P کمتر از $0/000$ معنادار بوده است. پس داده‌های مورد بررسی از تناسب قابل قبولی برای اجرای تحلیل عاملی برخوردارند.

جدول ۵- آزمون بارتلت در سطح معناداری

مأخذ: یافته‌های تحقیق و محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸

مجموع مورد تحلیل	دیدگاه‌ها	مقدار KMO	مقدار	سطح معنی
عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی	مردم محلی	۰/۶۰۳	۱۳۷۹/۲۹۱	۰/۰۰۰

نتایج مدل تحلیل عاملی نشان می‌دهد از میان ۲۷ متغیر، فقط هفت عامل دارای مقادیر ویژه بزرگ‌تر از یک است. بنابراین، بیشینه تعداد عامل‌های اصلی می‌تواند هفت باشد. این هفت عامل پس از چرخش، در مجموع توانسته‌اند ۵۵/۲۷۴ درصد واریانس را تبیین کنند که بیشترین سهم را عامل اول با ۱۰/۵۳۱ درصد دارد و کمترین سهم را عامل هفتم با ۶/۱۷۸ درصد به خود اختصاص داده است. از این رو، از میان عواملی که بیشترین نقش را در تقویت فضاهای عمومی در ناحیه مورد مطالعه داشته‌اند، فقط هفت عامل اهمیت بیشتری دارد. از آن جا که درصد واریانس قابل قبول برای اتکا بودن تحلیل عاملی ۵۰ درصد است، با توجه به مقدار به دست آمده از خروجی دوم (۵۵/۲۷۴) می‌توان بیان کرد که نتایج تحلیل عاملی قابل تعمیم و اتکاست و نیز به واسطه آن می‌توان از مناسب بودن متغیرهای انتخاب شده برای تحلیل عاملی اطمینان یافت.



شکل ۳- نمودار مقدار ویژه عامل‌ها

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸

در پژوهش حاضر، برای چرخش عاملی از روش ریماکس استفاده شده است. بعد از مرحله چرخش، متغیرهایی که مربوط به هر عامل هستند، به صورت ستونی مشخص شدند. پس از پردازش متغیرهای مؤثر در تقویت فضاهای عمومی نسبت به نام‌گذاری عوامل اقدام گردید. حال با توجه به اینکه داده‌ها از درجه تناسب خوبی برخوردارند، می‌توان از این هفت عامل در تجزیه و تحلیل نهایی و بررسی متغیرها نسبت به عوامل استفاده و دیگر عوامل را حذف کرد. ضرایب همبستگی بین متغیرها و عوامل (بارهای عاملی) در جدول (۶) ارائه شده است.

نتایج نهایی مدل تحلیل عاملی نشان می‌دهد متغیرهایی که بیشترین بار عاملی را روی عامل نخست دارند، عبارتند از: چشم‌انداز طبیعی بکر و کوهستانی، وجود چشمه‌ها و رودخانه‌ها، نقش و نمای ساختمان متناسب بر محیط، تبلور ارزش‌های زیربنای فرهنگی و تاریخی و مبلمان سنتی و کالبدی روستا که نام عامل، تنوع جاذبه‌ها و کیفیت بصری گذاشته شده است. مقدار ویژه این عامل ۲/۸۴ و مقدار واریانس آن ۱۰/۵۳۱ می‌باشد. متغیرهای که دارای بیشترین همبستگی با عامل دوم هستند عبارتند از: استمرار روابط دوستی مردم، تحکیم روابط همسایگی بین افراد ساکن در روستا و پایه‌ریزی روابط صمیمی. مقدار ویژه این عامل، ۲/۶۷۳ و مقدار واریانس آن ۹/۹۰۰ می‌باشد. متغیرهایی که دارای بار عاملی روی عامل سوم هستند، شامل زمینه‌سازی برای برگزاری آداب و رسوم روستا، برپایی نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری، پیش‌بینی کاربری‌های فرهنگی و خدماتی، گردهمایی‌های ملی و مذهبی و سخنرانی و همایش‌های منطقه‌ای است که با هم عامل اجتماعی و فرهنگی را تشکیل می‌دهند. مقدار ویژه این عامل ۲/۴۳۱ و مقدار واریانس آن ۹/۰۰۴ است.

متغیرهای که بیشترین همبستگی با عامل چهارم را دارند، عبارتند از: تأثیر بازی و سرگرمی بر جسم و ذهن کودکان، آموزش هم‌زیستی در کنار هم‌نوعان و هم‌سالان محلی برای تبادل اطلاعات و توجه به حقوق افراد خاص (معلولین و سالمندان) و تأمین‌کننده بهداشت جان و روان مردم که عامل آموزشی - بهداشتی نام دارد و مقدار ویژه این عامل ۱/۸۰۵ و مقدار واریانس آن ۶/۶۸۵ است. متغیرهایی که بیشترین همبستگی را با عامل پنجم دارند، شامل وجود خدمات ورزشی، خدمات بهداشتی و خدمات آموزشی است که عامل تجهیزات نام

گذاری شده است. مقدار ویژه این عامل ۱/۷۵۸ است و ۶/۵۱۳ درصد واریانس بین متغیرها را تبیین می‌کند.

همچنین متغیرهای جای مناسب و پررونق برای عرضه کالاها و مایحتاج روزانه روستاییان، ایجاد فضاهای تجاری و رونق کسب و کار در روستا و تشکیل بازارهای هفتگی و فصلی با عنوان عامل اقتصادی نام‌گذاری شده است. مقدار ویژه این عامل ۱/۷۴۵ و مقدار واریانس آن ۶/۴۶۴ است. در نهایت، متغیر گذران اوقات فراغت برای اقشار مختلف اجتماعی و رفع خستگی و ایجاد آرامش روحی و روانی عامل هفتم را تشکیل می‌دهد که عامل تفریحی برای آن نام‌گذاری شده است، مقدار ویژه این عامل ۱/۶۶۸ و مقدار واریانس ۶/۱۷۸ است. با توجه به تمرکز متغیرها در هر عامل و نیز مقادیر بارهای عاملی هر متغیر می‌توان به میزان اهمیت آن‌ها در تقویت فضای عمومی پی برد. از آنجایی که عامل اول و پنجم دارای ماهیت زیباشناختی و عامل های دوم و هفتم دارای ماهیت معنایی - ادراکی و عامل سه، چهار و ششم دارای ماهیت عملکردی - ادراکی است می‌توان بیان کرد که این عوامل نقش مؤثری در تقویت فضاهای عمومی در مناطق روستاهای استان لرستان داشته است.

جدول ۶- ماتریس عاملی چرخش یافته بر اساس روش چرخشی واریماکس

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

عاملها	متغیرها	بار عاملی
تنوع جاذبه‌ها و کیفیت بصری	چشم‌انداز طبیعی بکر و کوهستانی	۰/۶۱۲
	وجود چشمه‌ها و رودخانه‌ها	۰/۵۹۸
	نقش و نمای ساختمان متناسب بر محیط	۰/۵۵۴
	تبلور ارزش‌های زیربنای فرهنگی و تاریخی	۰/۵۶۱
	مبلمان سنتی و کالبدی روستا	۰/۵۶۱
تعامل و ارتباطات	استمرار روابط دوستی مردم	۰/۵۷۵
	تحکیم روابط همسایگی بین افراد ساکن در روستا	۰/۵۶۴
	پایه‌ریزی روابط صمیمی و همیشگی بین خانواده‌ها	۰/۶۲۴
اجتماعی - فرهنگی	زمینه‌سازی برای برگزاری آداب و رسوم روستا	۰/۵۶۱
	برپای نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری	۰/۶۲۳
	پیش‌بینی کاربری‌های فرهنگی و خدماتی	۰/۵۱۲

بار عاملی	متغیرها	عاملها
۰/۶۷۸	گردهمایی‌های ملی و مذهبی	آموزشی - بهداشتی
۰/۵۰۷	سخنرانی و همایش‌های منطقه‌ای	
۰/۷۵۹	تأثیر بازی و سرگرمی بر جسم و ذهن کودکان	
۰/۵۸۰	آموزش هم‌زیستی در کنار هم‌نوعان و هم‌سالان محلی برای تبادل اطلاعات	
۰/۶۳۰	توجه به حقوق افراد خاص (معلولین و سالمندان)	
۰/۳۵۳	تأمین کننده بهداشت جان و روان مردم	
۰/۸۳۸	وجود خدمات ورزشی	تجهیزات
۰/۵۵۶	وجود خدمات بهداشتی	
۰/۵۶۷	وجود خدمات آموزشی	
۰/۵۰۹	جای مناسب و پررونق برای عرضه کالاها و مایحتاج روزانه روستائیان	اقتصادی
۰/۶۸۴	ایجاد فضاهای تجاری و رونق کسب و کار در روستا	
۰/۶۲۸	تشکیل بازارهای هفتگی و فصلی	
۰/۷۰۹	گذران اوقات فراغت برای اقشار مختلف اجتماعی	تفریحی
۰/۵۴۲	رفع خستگی و ایجاد آرامش روحی و روانی	

برای بررسی تفاوت بین عامل به دست آمده از مدل تحلیل عاملی، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، استفاده شده است. نتایج گویای این است که با توجه به اینکه میزان Sig به دست آمده کوچک‌تر از آلفا ۰/۰۵ است، می‌توان استدلال کرد که بین سه عامل نهایی که در یکدیگر ادغام شده‌اند، تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهند عوامل مؤثر بر تقویت فضاهای عمومی تأثیرگذار بوده است.

جدول ۷- آزمون تحلیل واریانس یک طرفه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

عاملها		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
عملکردی - ادراکی	Between Groups	۲۱/۳۶۷	۳۸	۰/۵۶۲	۱/۹۶۸	۰/۰۰۳
	Within Groups	۳۶/۸۶۵	۱۲۹	۰/۲۸۶		

عامل‌ها		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
	Total	۵/۲۳۱	۱۶۷			
زیباشناختی	Between Groups	۳۲/۷۶۱	۳۸	۰/۸۶۲	۲/۰۸۸	۰/۰۰۱
	Within Groups	۵۴/۰۹۸	۱۳۱	۰/۴۱۳		
	Total	۸۶/۸۵۹	۱۶۹			
ادراکی - معنایی	Between Groups	۲۷/۶۴۲	۳۸	۰/۷۲۷	۲/۰۶۰	۰/۰۰۱
	Within Groups	۴۶/۲۶۰	۱۳۱	۰/۳۵۳		
	Total	۷۳/۹۰۲	۱۶۹			

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در تحقیق، می‌توان بیان کرد که توسعه و ایجاد فضاهای عمومی مطلوب علاوه بر تأمین رفاه و آسایش مردم، نقش مؤثری در حفظ محیط و توسعه پایدار از طریق سلسله مراتب طرح‌های مختلف و در نظر گرفتن نیازها و امکانات واقعی و مشارکت نیروهای مؤثر در تحقق آن ایفا می‌کند. بر این اساس، این فرایند مستلزم رعایت جامع‌نگری، انعطاف‌پذیری و به کار گرفتن شاخص‌ها و معیارهای کمی و کیفی در پیش‌بینی و اولویت‌سنجی عمودی و افقی و نحوه توزیع و ترکیب آن‌ها است؛ لذا این تحقیق به دنبال شناسایی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تقویت فضاهای عمومی در روستاهای مورد مطالعه استان لرستان است. هفت عامل تنوع جاذبه‌ها و کیفیت بصری، تعامل و ارتباطات، اجتماعی- فرهنگی، آموزشی و بهداشتی، تجهیزات، اقتصادی و تفریحی هر کدام به ترتیب بیشترین نقش را در تقویت فضاهای عمومی به دنبال داشته است. همچنین، نتایج تحلیل‌ها نشان داد از دیدگاه مردم محلی تفاوت معناداری بین عوامل مورد نظر در سطح آلفا کمتر از ۰/۰۵ وجود دارد. در همین زمینه تحقیقات انجام‌شده نیز موید این مطلب است به طوری که رومیانی و همکاران (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای که درصدد شناسایی نگرش و انتظارات روستاییان از فضاهای عمومی در کیفیت سرزندگی بودند، به این نتیجه دست یافتند که شاخص‌های آسایش، لذت و محافظت هر کدام به ترتیب ۷/۲۶، ۴/۹۰ و ۳/۷۸ بیشترین اولویت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، عزیزپور و شمسی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود معتقدند که

عوامل طبیعی به ویژه توپوگرافی، منابع آب و شیب سبب گردیده تا سازمان فضایی دهستان لواسان کوچک از ساختار سلسله مراتبی دو سطحی برخوردار گردد. گل (۲۰۰۳) در پژوهش خود، حمایت از فعالیت‌های اجتماعی را یکی از ملزومات دستیابی به فضاهای عمومی موفق دانسته است؛ لذا این تحقیقات با پژوهش حاضر تا حدودی هم‌خوانی دارند. پس این پژوهش با در نظر گرفتن شاخص‌هایی که به نوعی معرف عملکرد موفق فضاهای عمومی بوده‌اند، این نتیجه را در بردارد که در برنامه‌ریزی‌ها برای دستیابی به محیط‌های مناسب‌تر باید به تمامی فضاهای کاربردی برای انسان‌ها توجه داشت. هرچند فضاهای عمومی در سطح مناطق روستایی دارای فضاهای متنوع و گسترده‌ای از جمله فضاهای اجتماعی و فرهنگی هستند که خیلی کم دستخوش تغییرات شده‌اند و هنوز هم صمیمیت و احساسات در آن نمایان است؛ لذا لازم است که برای بهبود این فضاها، زمینه برای انجام تعاملات اجتماعی در پی انجام فعالیت جمعی از قبیل دیدار و گفت‌وگوها، تعامل و مشارکت، فراهم آوردن خدمات آموزشی، بهداشتی، ایجاد بازارهای هفتگی و فصلی، تنوع بازارهای محلی و خدمات ورزشی و غیره که به آن اشاره شده، فراهم شود و فضاهای مذکور به فضای فعالیت، سرزندگی و حیات مدنی تبدیل شوند.

کتاب‌نامه

۱. ایزدی، م.، محمدی، ج.، طاهری، ز.، و شرخانی، ح. (۱۳۹۵). واکاوی مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از دیدگاه زنان؛ مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر اصفهان. *جغرافیا و توسعه*، ۴۲، ۱۴۴-۱۲۷.
۲. پاکزاد، ج.ش. (۱۳۸۵). *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*. تهران: انتشارات شهیدی.
۳. پورمحمدی، م.، ر.، طورانی، ع.، و حسینلو، م. (۱۳۹۲). توسعه یکپارچه نواحی روستایی و شهری، رویکردی فضایی و استراتژیک در نظام برنامه‌ریزی سکونتگاهی. *اندیشه جغرافیایی*، ۷ (۱۴)، ۳۶-۹.
۴. حاتمی، ی.، و ذاکری حقیقی، ک. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر در انتخاب فضای عمومی توسط شهروندان؛ مطالعه موردی: پیاده‌راه بوعلی سینا و اکباتان شهر همدان. *مطالعات محیطی هفت حصار*، ۲۳ (۶)، ۸۱-۹۴.

۵. رفیعیان، م.، و خدائی، ز. (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری. *فصل‌نامه راهبرد، ۱۸* (۵۳)، ۲۴۸-۲۲۸.
۶. رومیانی، ا.، صادقلو، ط.، و صناعتی مقدم، س. (۱۳۹۸). تحلیل نگرش و انتظارات روستاییان از فضاهای عمومی در راستای ارتقای کیفیت سرزندگی؛ مطالعه موردی: دهستان دهدشت غربی - شهرستان کهگیلویه. *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۳* (۶۸)، ۱۵۵-۱۳۳.
۷. رهنمایی، م.ت.، و اشرفی، ی. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری. *جغرافیا، ۵* (۱۴ و ۱۵)، ۴۴-۲۳.
۸. ساردوئی، م. (۱۳۹۳). تبارشناسی رویکردهای تبیین جایگاه فضاهای باز عمومی در سکونتگاه‌های روستایی. *مدیریت شهری، ۳۷*، ۱۲۶-۱۰۳.
۹. سعیدی، ع. (۱۳۸۹). محیط، فضا و توسعه، بحثی در صورت توسعه یکپارچه روستا شهری، *فصل‌نامه مسکن و محیط، ۲۹* (۳۱)، ۱۲-۳.
۱۰. شارع پور، م. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی شهری*. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. عزیزپور، ف.، و شمسی، ر. (۱۳۹۳). نقش عوامل محیطی در سازمان فضایی سکونتگاه‌های روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان لوسان کوچک. *فصل‌نامه اطلاعات جغرافیایی سپهر، ۲۳* (۸۹)، ۱۱۲-۱۰۶.
۱۲. علی الحسابی، م.، و نگارش، ن. (۱۳۸۹). تجلی فضای جمعی در سکونتگاه‌های روستایی. *مسکن و محیط روستا، ۲۹* (۱۳۲)، ۳۸-۲۹.
۱۳. عنابستانی، ع.، ا.، و احمدزاده. س. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین ویژگی‌های مکانی - فضایی و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در سطح جامعه روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان درزآب، شهرستان مشهد. *جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱* (۲)، ۹۵-۱۱۲.
۱۴. عینالی، ج.، بوزجمهری. خ.، نظری شیخی، م.، دهبانزاد، ا.، و رومیانی، ا. (۱۳۹۶). تحلیل نقش فضاهای عمومی در ارتقای کیفیت سرزندگی روستاییان؛ مطالعه موردی: روستاهای شهرستان الشتر. *مجله برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۲* (۳)، ۶۳۹-۶۱۹.
۱۵. ماجدی، ح.، رضایی، م.م.، و منصور، ه. (۱۳۹۳). شناخت عملکرد شناختی فضاهای عمومی از نظر هویت؛ مطالعه موردی: نازی آباد و محله مهران تهران. *فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۴*، ۳۹-۶۱.

15. Bolívar, J., Daponte, A., Rodríguez, M., & Sánchez, J. J. (2010). The influence of individual, social and physical environment factors on physical activity in the adult population in Andalusia, Spain. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 7(1), 60-77.
16. Francis, J., Giles-Corti, B., Wood, L., & Knuiman, M. (2012). Creating sense of community: The role of public space. *Journal of Environmental Psychology*, 32(4), 401-409f
17. Hartel, T., Fischer, J., Câmpeanu, C., Milcu, A.I., Hanspach, J., & Fazey, I. (2014). The importance of ecosystem services for rural inhabitants in a changing cultural landscape in Romania. *Ecology and Society*, 19(2), 42-50.
18. Ismail, W.A.W., & Said, I. (2015). Integrating the community in urban design and planning of public spaces: A review in Malaysian cities. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 168, 357-364.
19. Jalaladdini, S., & Oktay, D. (2012). Urban public spaces and vitality: a socio-spatial analysis in the streets of Cypriot towns. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 35, 664-674.
20. Jung, H.J., & Ryu, H.J. (2015). Sustaining a Korean traditional rural landscape in the context of cultural landscape. *Sustainability Open Access*, 7(8), 11213-11239.
21. Kurniawati, W. (2012). Public space for marginal people. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 36, 476-484.
22. Lipton, S. (2003). The value of public space: How high-quality parks and public spaces create economic. *Social and Environmental Value*, 4(54), 446-456.
23. Meeus, J. H. A., Wijermans, M. P., & Vroom, M. J. (1990). Agricultural landscapes in Europe and their transformation. *Landscape and Urban Planning*, 18(3-4), 289-352.
24. Nasution, A. D., Shalleh, A., & Wahid, J. (2014). Livable public open space for citizen's quality of life in Medan, Indonesia. *Journal of Engineering, Management & Applied Sciences & Technologies*, 5(2), 131-142.
25. Oldenburg, R. (1999). *The great good place: Cafes, coffee shops, bookstores, bars, hair salons, and other hangouts at the heart of a community*. Whashington: Marlowe & Company.
26. Seong, J. (2005). *A study on rural landscape management and policy directions*. Seoul, Korea: Korea Rual Economic Institute
27. Stockdale, A., & Barker, A. (2009). Sustainability and the multifunctional landscape: An assessment of approaches to planning and management in the Cairngorms National Park. *Land Use Policy*, 26, 479-492.
28. Yoon, H., & Srinivasan, S. (2015). Are they well situated? spatial analysis of privately owned public space, Manhattan, New York city. *Urban Affairs Review*, 51(3), 358-380.